



## ارائه الگوی تربیت دینی نماز با استفاده از بخش بندی مخاطبان

سعید مسعودی پور\*

### چکیده

نماز تنها یک عبادت نیست. نماز فریضه ای انسان ساز و تربیتی است که فرد نمازخوان را در فرهنگ اسلامی خود قرار می دهد. تاکید و تکیه قرآن و احادیث بر مسئله نماز حاکی از اهمیت و نقش پررنگ آن در اصلاح افراد و حرکت در مسیر تکامل دارد. لذا نهادینه کردن این ارزش و عبادت تربیتی امری مهم و ضروری است. برای این منظور نهادها و سازمان های مختلفی می توانند ایفای نقش کنند. از مهم ترین ها می توان خانواده، مسجد و مدرسه را نام برد. آنچه که لازمه تربیت دینی توسط این نهادهاست داشتن یک الگوی تربیتی مبتنی بر تعالیم دینی است. الگویی که نهادها را مجهز ساخته تا بتوانند به صورت موثر و کارآمد اقدام به برنامه ریزی تربیتی جهت نهادینه شدن فرهنگ نماز و نمازخوانی در آنان کنند. در این نوشتار الگویی برای این منظور ارائه شده است که اساس آن توجه به مخاطب و بخش بندی و دسته بندی او در واحدهایی همگون و یک شکل است. دو معیار دینی برای بخش بندی مخاطبان تربیتی به منظور نهادینه کردن فرهنگ نماز در آنان، مورد بررسی قرار گرفته شده است. هم چنین برخی از روش های مناسب برای هر بخش از مخاطبان پیشنهاد شده است. در نهایت پیشنهادی برای مسجد به عنوان رکن اساسی در تربیت دینی در کنار خانواده و مدرسه مطرح می شود.

### کلمات کلیدی

نماز، بخش بندی، مخاطب، تربیت دینی، برنامه ریزی فرهنگی

«نماز یک کارخانه انسان سازی است.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۳۹۳) «نماز واقعا عبادت جامع و عجیبی است.» (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۹۱) لذا هدفگذاری کلان فرهنگی در خصوص ترویج و گسترش نماز، دستاوردهای گوناگونی در ابعاد تربیتی و فرهنگ دینی با خود به همراه خواهد داشت. در واقع آثار و پیامدهای ترویج فرهنگ نماز و مسجد، چند بعدی و چند جانبه و بسیار متنوع و اثربخش خواهد بود، چرا که «نماز بسیاری از اصول تربیت اسلامی را در خود گنجانده است.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۹۱) در راستای این هدف مقدس، نهاد های گوناگونی دخیل هستند که خانواده، مسجد و مدرسه از مهم ترین آنهاست. در این نوشتار سعی شده است الگویی کاربردی برای برنامه ریزی تربیتی به منظور نهادینه کردن فرهنگ نماز ارائه شود.

## ۲- نماز، عبادتی تربیتی

«عبادت و پرستش یکی از امور فطری است ... البته در شکل و نوع پرستش ها تفاوت های زیادی دیده می شود. یکی تفاوت در معبودها که از پرستش سنگ و چوب و بت ها گرفته تا خدای عزیز و یکی در شکل و شیوه عبادت.» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۵) «عبادت یعنی تبعیت از آن سیر تکاملی که خدا و جهان هستی برای هر موجودی معین کرده تا کمال خود را بیابد و شامل همه موجودات هم می شود.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۴۶) «اسلام که می خواهد افراد را چه از نظر اخلاقی و چه از نظر اجتماعی تربیت کند، یکی از وسایلی که برای این کار اتخاذ کرده و از قضا از هر وسیله ی دیگری در اخلاق و روح بشرموثرتر و نافذتر است، عبادت است.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۹۳) نماز عبادتی است که انجام آن تنها خلاصه در اطاعت خداوند نمی شود. بلکه آثار و برکات فردی و اجتماعی زیادی به همراه خواهد داشت. «در اسلام، عبادات گذشته از اصالتی که دارند جزء برنامه های تربیتی آن هستند. توضیح این که اصالت داشتن عبادت به معنی این است که قطع نظر از هر جهتی، قطع نظر از مسائل زندگی بشر، عبادت خودش جزء اهداف خلقت است.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۹۳) قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره عنکبوت یکی از مهم ترین آثار تربیتی نماز را بیان می کند:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

«در این آیه خاصیت نماز ذکر می شود، البته نماز حقیقی، نماز واقعی، نمازی که با شرایط و آداب صحیح صورت گرفته باشد.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸) «نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می کند. اینهایی که در این مراکز فساد کشیده شده اند، اینها آن بی نمازها هستند. نمازخوانها در مساجدند.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۳۹۳) «نماز گزار مجبور است به خاطر صحت نماز و یا قبول شدن آن، یک سری دستورات دینی را مراعات کند که رعایت آن ها خود زمینه ای قوی برای دوری از

گماه و زشتی است. آری کسی که لباس سفید بپوشد، طبیعی است که روی زمین آلوده و کثیف نمی نشیند.» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۲۸) «یاد قیامت یک ارزش و بازدارنده از گناه و فساد است و نماز یادآور یوم الدین است.» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۵۳) در طراحی برنامه های فرهنگی، گاهی اوقات به جای پرداختن به راهکار درست و اساسی که دین آن را ارائه می کند، از برنامه های سطحی و مقطعی استفاده می شود. یکی از راهکارها و راه حل های درست و بسیار موثر دینی برای مبارزه با منکرات اجتماعی و فحشا، اقامه نماز و ذکر و یاد خداست.

### ۳- بیان مسئله

عدم وجود طرحی جامع و هدفمند یکی از مسائل تربیتی است. برای تدوین طرح تربیتی باید شرایط و وضعیت مخاطب سنجیده شده و فاصله آن تا از وضعیت مطلوب در نظر گرفته شود. لذا یکی از موضوعات مهمی که در فعالیت های تربیتی باید به دقت مورد توجه واقع شود، شناخت مخاطب و مسئله اوست. در مواجهه با افراد، شناخت وضعیت موجود او و ایجاد آگاهی و درک درست از مسئله فرد برای مرییان تربیتی ضروری است. بنابراین اگر چه هدف غایی و نهایی تربیت یکسان است، اما هر کس در مسیر تکامل انسانی خود در سطح و مرحله ای است که می بایست متناسب با آن اقدام شود. در خصوص اقدامات تربیتی برای جلب افراد به موضوع نماز و مسجد این موضوع نیز باید مد نظر قرار گیرد. یعنی برنامه های تربیتی باید متناسب با نیاز مخاطب باشد.

### ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به صورت کیفی است. بر اساس نحوه گرد آوری از نوع توصیفی بوده و به صورت کتابخانه ای اطلاعات لازم جمع آوری شده است.

### ۵- بخش بندی<sup>۱</sup> مخاطب

در این نوشتار ایده اصلی موضوع بخش بندی و دسته بندی در برنامه ریزی فرهنگی از یکی تکنیک های رشته مدیریت بازاریابی گرفته شده است. در بخش بندی بازار، مدیران بازاریابی سعی می کنند مشتریان خود را به دسته ها و بخش های همگون و مشابهی تقسیم کرده و متناسب با نیاز هر بخش برای محصول مورد نیاز را ارائه کنند. این بخش بندی اساساً به این علت است که «خریداران دارای خواسته ها و نیاز های متفاوتی هستند.» (کاتلر، ۱۳۸۹: ۲۹۵) این تقسیم بندی و بخش بندی بازار می تواند بر اساس عوامل متفاوتی باشد.<sup>۲</sup> در بخش بندی مخاطبان تربیتی نماز آنان به دسته ها و بخش های مشابهی و

<sup>۱</sup> segmentation

<sup>۲</sup> برای آشنایی رجوع شود به اصول بازاریابی - کاتلر صص ۲۹۶ تا ۳۱۲

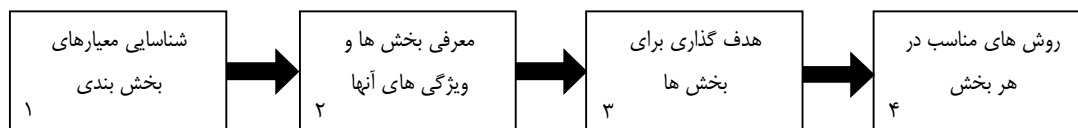
همگونی تقسیم شده و برای هر بخش هدف گذاری لازم صورت می گیرد. مهم ترین اهداف از بخش بندی مخاطب در برنامه ریزی فرهنگی نماز و مسجد عبارت است از:

- ا. امکان انجام برنامه ریزی منسجم و هدفمند متناسب با مسئله مخاطب
- ب. دسته بندی مخاطبان برای افزایش ارائه محتوا و برنامه ای اثربخش<sup>۳</sup> و موثر در بهبود رفتار دینی فرد
- ت. جلوگیری از دلزدگی و خستگی مخاطب از شنیدن یا خواندن محتوایی که نیاز او نیست
- ث. افزایش بازدهی فعالیت های فرهنگی به منظور ترویج و گسترش فرهنگ نماز و مسجد
- ج. جلوگیری از هدر روی زمان و منابع موجود

## ۶- الگوی تربیتی بر اساس بخش بندی مخاطب

منظور از مخاطبان تربیتی نماز، افرادی هستند که مورد نظر مربیان تربیتی به منظور نهادینه شدن فرهنگ نماز و مسجد هستند. این افراد قشر وسیعی را شامل می شوند، از کودکان خردسال گرفته تا دانش آموزان و دانشجویان و .... در این نوشتار الگوی تربیتی شامل چهار مرحله برای تربیت مخاطبان به منظور نهادینه شدن فرهنگ نماز و نمازخوانی در آنان پیشنهاد می شود. اساس این الگو بر دسته بندی و بخش بندی مخاطب و نیازشناسی او استوار است. این الگو شامل مراحل زیر است: (شکل ۱)

۱. شناسایی معیارهای بخش بندی
۲. معرفی بخش ها و ویژگی های آنها
۳. هدف گذاری برای بخش ها
۴. روش های مناسب برای هر بخش



شکل ۱. الگوی تربیتی بر اساس بخش بندی مخاطب

در ادامه قسمت ها و مراحل این الگو مورد بررسی قرار می گیرد.

<sup>۳</sup> effective

## ۱-۶- شناسایی معیارهای بخش بندی (مرحله ۱)

تعیین معیار و شاخص بخش بندی نخستین گام در بخش بندی و دسته بندی مخاطبان است. بدون شک بهترین معیار و شاخص آن معیاری است که از جانب شرع و دین توصیه به آن شده باشد. در این نوشتار سعی شده است دو معیار اسلامی و دینی شناسایی و تبیین شده و مخاطبان بر اساس آن بخش بندی شوند. این دو معیار عبارت است از:

أ. بخش بندی بر اساس گروه های سنی مخاطب

ب. بخش بندی بر اساس معرفت و شناخت مخاطب

### ۲-۶- معرفی بخش ها و ویژگی های آنها و هدف گذاری برای بخش ها (مراحل ۲ و ۳)

در این مرحله تحلیلی از معیارهای شناسایی شده ارائه می شود و سپس بر اساس آنها، بخش بندی روشنی از مخاطب ارائه شده و سپس ویژگی ها و شاخصه های هر بخش بیان می شود.

#### ۱-۲-۶- معیار اول: بخش بندی مخاطب بر اساس گروه های سنی مخاطب

در این قسمت از دو دسته از روایات و احادیث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام استفاده شده است. دسته اول یک طرح کلی و کلان تربیتی را معرفی می کنند. دسته دوم طرح و الگوی تربیتی در خصوص نماز را تبیین می کنند. در ابتدا الگوی کلان تربیتی مطرح شده و سپس با استفاده از آن و احادیث دسته دوم الگوی تربیتی نماز ارائه خواهد شد.

#### أ. بررسی روایات دسته اول و تحلیل آنها

۱. الإمام الصادق علیه السلام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا، وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ. (میزان الحکمه ج ۱، ح ۴۱۴ - به نقل از بحار الأنوار: ۴۰/۹۵/۱۰۴)
- امام صادق علیه السلام: فرزندت را تا هفت سالگی بگذار بازی کند، بعد از آن، هفت سال او را ادب [و دانش] آموز و هفت سال او را همراه خود کن؛ اگر درست شد که شده، وگرنه خیری در او نیست.
۲. عنه علیه السلام: اِحْمِلْ صَبِيكَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى سِتِّ سِنِينَ، ثُمَّ أَدِّبْهُ فِي الْكِتَابِ سِتَّ سِنِينَ، ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ، فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلِّ عَنْهُ. (میزان الحکمه ج ۱، ح ۴۱۶ - به نقل از مکارم الأخلاق: ۱۶۴۸/۴۷۸/۱)

امام صادق علیه السلام: فرزند خود را تا شش سالگی آزاد بگذار، سپس شش سال او را سواد و ادب آموز. بعد از آن، هفت سال او را با خود داشته باش و آداب خودت را به او بیاموز. اگر تربیت پذیر بود و اصلاح شد که شده، وگرنه او را به حال خودش وا گذار.

۳. عنه صلى الله عليه وآله: **الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ، وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقُهُ لِإِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَإِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ، فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.** (میزان الحکمه ج ۱، ح ۴۱۲ - به نقل از مکارم الأخلاق: ۱/۴۷۸/۱۶۴۹)

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فرزند، هفت سال آقا است، هفت سال بنده و هفت سال وزیر. اگر تا ۲۱ سالگی اخلاق و رفتارش را پسندیدی [که خوب] وگرنه به حال خود رهاش کن که تو در پیشگاه خداوند متعال معذوری.

۴. عنه صلى الله عليه وآله: **الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ، وَخَادِمٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيَتْ مُكَائِفَتَهُ لِإِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَإِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى كَتِفِهِ، قَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ فِيهِ.**

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فرزند هفت سال سرور است، هفت سال نوکر و هفت سال وزیر و دستیار. اگر در بیست و یک سالگی از کمک کار بودن او راضی بودی که خوب وگرنه بر شانه او بزنی (به حال خود رهاش کن) که تو درباره او نزد خداوند معذوری. (میران الحکمه ج ۱۳، ح ۲۲۷۲۶ - به نقل از کنز العمال: ۴۵۳۳۸)

در این احادیث برنامه کلان تربیتی در سه مرحله انجام می شود:

**الف. هفت سال اول (سید).** در این دوران به خاطر شرایط سنی و نبودن تکلیف بر وی، کودک از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و می بایست در این دوران اجازه بازی و سرگرمی هایی که خاص و ضرورت این دوره است به او داده شود. البته ایجاد مقدمات تربیتی متناسب با درک کودک و نیز مواظبت از انحرافات و مسائل خاص این دوران ضروری است.

**ب. هفت سال دوم (عبد).** در این مرحله سطح درک و فهم کودک افزایش یافته و ظرفیت لازم برای درک بایدها و نبایدهای دینی و عرفی را پیدا می کند. قدرت تحصیل علم و دانش نیز از این دوره در اوج شکوفایی قرار می گیرد. هم چنین با توجه به این که این دوران با به سن تکلیف رسیدن نزدیکی زیادی دارد، دوره دوم زمانی است که می بایست فرزند احکام و دستورات لازم دینی را فرا گیرد. با توجه به این که این دوران زمانی است که والدین می توانند بیشترین اثر تربیتی را داشته باشند لذا لازم است نسبت به آن توجه خاصی داشته باشند. هر گونه الگوبرداری فرزند از رفتارهای نادرست اثرات جبران ناپذیری را خواهد داشت.

**ج. هفت سال سوم (وزیر).** سومین مرحله تربیتی را می توان مرحله تمرین عملی و عینی مرحله قبل دانست. به این معنی که در این مرحله فرزند خانواده به استفاده از آموخته های تربیتی و معرفتی خود در مرحله قبل پرداخته و سعی در ارتقای معنوی خود می کند.

تشبیهی که می توان از این سه مرحله کلان تربیتی آورد همانند دانه ای است که در دل زمین قرار می گیرد. تا زمانی که این دانه در دل زمین قرار گرفته به مراقبت زیادی نیاز ندارد. تنها رسیدن آب و مواد غذایی برای رشد او کافی است. البته فضا سازی و تهیه مقدمات رشد او لازم و ضروری است. این دوره همانند مرحله اول است که کودک آزادی بیشتری دارد. اما زمانی که دانه سر از زمین بیرون می آورد در معرض خطرات و آسیب های فراوان زیادی است و این امر مراقبت های بیشتری را نیز می طلبد. هرس کردن، مبارزه با آفات و توجه ویژه به درخت جوان از بایدهای مرحله دوم است. در مرحله سوم درخت بارور شده و ثمر و میوه آن زحمت و رنج چندین ساله باغبان را برای او شیرین و دلچسب می کند. هر چقدر دقت و توجه باغبان در مراحل قبل بیشتر و دقیق تر بوده باشد در این مرحله به محصول بیشتر و بهتری خواهد رسید.

در این روایات برنامه کلی تربیتی با توجه به سن فرد بیان شده است. اما با توجه به این طرح کلی و برخی روایات که به آن ها اشاره می شود، می توان طرح تربیتی نماز را ارائه کرد.

### ب. بررسی روایات دسته دوم و تحلیل آنها

همان طور که ذکر شد هفت سال دوم زمان پیگیری جدی و با برنامه موضوعات تربیتی است. در احادیث شروع بحث نماز نیز از ابتدای این مرحله یعنی در ده سالگی معرفی شده است.

۱- رسول الله صلی الله علیه وآله : عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: فرزندان خود را در هفت سالگی نماز بیاموزید، و چون ده ساله شدند آنها را بر ترک نماز تنبیه کنید، و بسترهایشان را از هم جدا سازید. (میزان الحکمه ج ۱، ح ۴۱۰ - کنز العمال: ۴۵۳۳۰)

۲- عنه صلی الله علیه وآله : أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ ، فَإِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ فَاضْرِبْ وَلَا تُجَاوِزْ ثَلَاثًا. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : کودکان خرد سال خود را [نخست] با گفتار، نماز و طهارت بیاموز و چون ده ساله شدند [و اطاعت نکردند] آنها را تنبیه کن ولی نه بیش از سه ضربه. (میزان الحکمه ج ۱، ح ۴۱۱ - تنبیه الخواطر: ۱۵۵/۲)

۳- عنه علیه السلام : عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ ، وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ .

امام علی علیه السلام : به کودکان خود نماز یاد دهید و چون به سن بلوغ رسیدند، بر آن مؤاخذه شان کنید. (میزان الحکمه ج ۱۳، ح ۲۲۷۲۹ - غرر الحکم: ۶۳۰۵)

۴- الإمام الباقر علیه السلام : إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ ، فَمَرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ ، وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ وَأَكْثَرَ مِنْ

ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ أَفْطَرُوا ؛ حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطِيقُوهُ ؛ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ  
بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا .

امام باقر علیه السلام : ما کودکان خود را وقتی پنج ساله شدند به خواندن نماز امر می کنیم و شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به خواندن نماز وا دارید. ما کودکانمان را وقتی به سن هفت سالگی رسیدند امر می کنیم تا هر مقدار از روز را که می توانند روزه بگیرند نصف روز یا کمتر و یا بیشتر، و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد افطار کنند، تا بدین ترتیب به روزه گرفتن عادت کنند و توان آن را بیابند و شما نیز وقتی کودکانتان ۹ ساله شدند به آنان دستور دهید تا هر مقدار از روز را که می توانند روزه بگیرند و هرگاه تشنگی بر آنان غلبه کرد روزه شان را باز کنند . ( میزان الحکمه ج ۱۳، ح ۲۲۷۳۰- الکافی: ۱/۴۰۹/۳)

با توجه به این روایات و روایات دسته اول روشن می شود که زمان تعلیم و تربیت و آشنا سازی کودک با فریضه نماز از ابتدای دوره دوم می باشد. روش تربیتی در این دوران چون فعلا در مرحله آموزش و تعلیم است، باید کاملا نرم و مهربانانه و متناسب با ادبیات کودک بوده و از هرگونه اقدام خشک و سختگیرانه پرهیز شود. لذا در دوره اول یعنی تا سن هفت سالگی بایستی به نیازهای کودک توجه کرد و تمهیدات و مقدمات لازم را برای آغاز تربیت در دوره دوم فراهم کرد. دوره دوم دوره ای است که هم بایستی به آموزش های لازم و ایجاد درک و معرفت لازم در خصوص نماز و احکام آن اقدام کرد و هم توجهات لازم در خصوص به جا آوردن نماز را داشت. در دوره سوم تربیت دینی سهولت مراحل قبل را نداشته و با موعظه و نصیحت و معرفی الگوهای دینی و هم نشینی با خوبان می توان تربیت لازم را صورت داد. البته اگر مراحل قبل به درستی انجام گرفته باشد خروجی آن فرد معتقد و نمازخوان خواهد بود که با مطالعه و کسب معرفت بیشتر می تواند عمق اعتقادی و ایمانی خود را افزایش دهد. با توجه به مطالب ذکر شده می توان خلاصه آن را به صورت زیر بیان کرد. (شکل ۲)

دوره سوم (۱۴ تا ۲۱ سالگی)	دوره دوم (۷ تا ۱۴ سالگی)	دوره اول (۰ تا ۷ سالگی)	
وزیر	خادم، عبد	سید	تعبیر روایات
کم	زیاد	متوسط	سهولت تربیت پذیری
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تقویت معرفت</li> <li>• شرکت در مساجد</li> <li>• معرفی الگوها و توصیه به الگوگیری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش</li> <li>• نظارت و دقت در انجام واجبات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مقدمه سازی برای آموزش</li> <li>• توجه به نیازهای دوران کودکی</li> </ul>	<b>هدفگذاری کلان</b>  <b>تربیتی نماز</b>

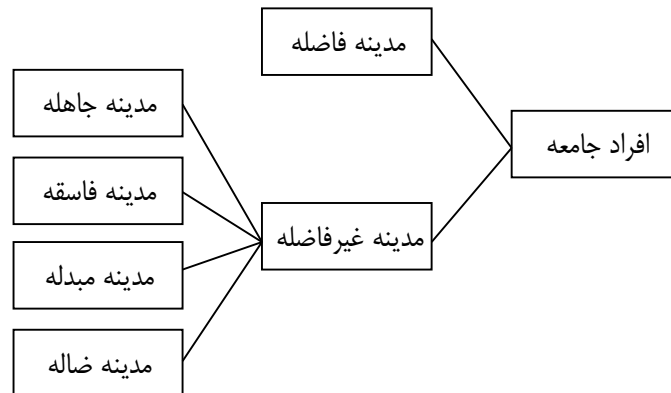
شکل ۲. هدف گذاری مراحل سه گانه تربیتی نماز



## ۲-۲-۶- معیار دوم: بخش بندی بر اساس معرفت و شناخت مخاطب

این شاخص بعد معرفتی و شناختی مخاطب از مقوله فرهنگی را در نظر می گیرد. این الگو بخش بندی کلی و فراگیر بوده و برای برنامه ریزی فرهنگی در سایر موضوعات کاربردی است. در خصوص موضوع نماز این الگو برای دسته بندی مخاطبان نوع معرفت و شناخت آنان از موضوع نماز و ابعاد آن را در نظر می گیرد.

شکل ۳ نمای کلی این دسته بندی را نشان می دهد.



شکل ۳. تقسیم بندی جامعه (برگرفته از کتاب جوادی آملی، ۱۳۸۸) صص ۳۱-۲۸)

حال به تبیین این بخش بندی در خصوص مخاطبان تربیتی نماز می پردازیم:

**جامعه فاضله:** تعریف مدینه فاضله عبارت است از «مدینه ای که فضایل انسانی در آن شیوع دارد و حکمرانان در آن جامعه جزء برای رفع نیازهای مردم به چیز دیگری نمی اندیشند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸) در واقع افرادی در مدینه فاضله قرار می گیرند که شناخت و معرفت لازم و درست را نسبت به مسئله نماز و ابعاد آن و موضوعات مرتبط با آن نظیر مسجد، زکات، صبر و ... را دارا هستند و در عمل بر اساس شناخت صحیح خود عمل می کنند. با توجه به این که هدف مطلوب از برنامه ریزی فرهنگی در خصوص نماز رسیدن به چنین نقطه ای است، لذا رویکرد لازم برای این بخش حفظ وضع موجود و عمق بخشیدن به آن است.

**جامعه غیرفاضله (فاسده):** جامعه غیرفاضله در مقابل جامعه فاضله قرار دارد. در این بخش افراد به درستی اقامه نماز ندارند. این عدم رعایت دلایل مختلفی دارد که در تقسیم بندی جامعه غیر فاضله نمود پیدا می کند. با توجه به این که جامعه غیر فاضله یا فاسده مطلوب نیست، لذا برنامه ریزی در این بخش حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب خواهد بود.

➤ **مدینه جاهله:** «عده ای از مردم اند که در مکانی اجتماع کرده و از استعمال قوه ناطقه تهی اند، از همین رو سعادت حقیقی را نشناخته و در پی آن نیستند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹) این افراد شناخت و معرفت لازم را نسبت به ابعاد نماز از

چیستی، چرایی و چگونگی گرفته تا آثار و نتایج آن ندارند. «اینکه انسان بخواهد درست نماز بخواند، بدون اینکه مسائل نماز را بداند امکان ندارد. پس برای اینکه انسان برای خواندن نماز آماده شود، یعنی بتواند نماز را صحیح بخواند، واجب است مسائل نماز را یاد بگیرد. اختصاص به نماز و روزه و این گونه تکالیف ندارد، هر وظیفه ای از وظایف اسلامی که نیازمند به علم باشد، همان علم برایش واجب می شود به عنوان یک واجب نفسی تهیوی، یعنی واجبی که ما را آماده می کند برای واجب دیگر.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۲) لذا آموزش دینی فرد و آشنا کردن او با دستورات و احکام اسلام ضروری و لازم است. هم چنین پاسخگویی به شبهات با زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مخاطب نیز باید در نظر گرفته شود.

شبهاتی مثل این که خدا مگر به عبادت ما نیاز دارد، انسان هر طور که خواست و هر وقت که خواست با خدا مناجات می کند و نیازی نیست که حتما به شکل نماز باشد، انسان باید دلش پاک باشد، خدا از حق خودش که نماز نخواندن است می گذرد اما از حق مردم نه و .... از جمله سوالات این دسته است.

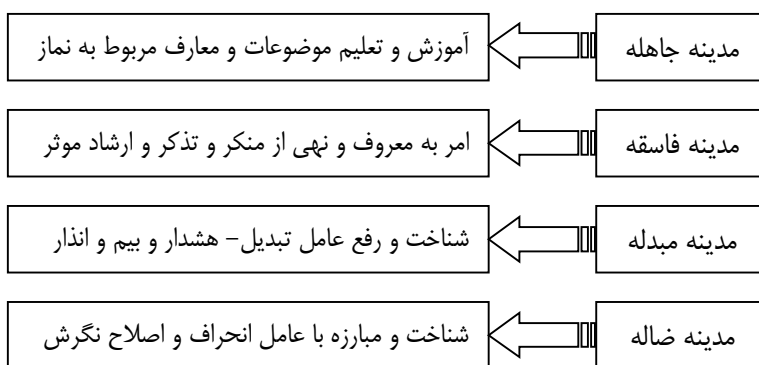
➤ مدینه فاسقه: «آنان از قوه ناطقه و تفکر بهره مندند و سعادت واقعی را شناخته اند؛ اما در مقام عمل، بدان پای بند نبوده و برای نیل به سعادت خویش نمی کوشند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹) این گروه کسانی هستند که اگرچه مثل گروه قبل نسبت به نماز پایبند نیستند، اما این گروه از باب نظری و بیان حقایق و دستورات دین حجت بر آنها تمام شده و از این نظر عذر و بهانه ای نخواهند داشت. البته ممکن است این عدم پایبندی به صورت موقتی بوده و فرد گاهی اوقات دچار غفلت شده و در انجام نماز کوتاهی کند.

➤ مدینه مبدله: «عده ای از افراد هستند که در اجتماع سالم و مطلوبی زندگی کرده و به تدریج از سلامت و فضیلت فاصله گرفته اند؛ جامعه ای که مردم آن مسیر انحطاط را پیموده و به پستی گرائیده و فضایل را جایگزین رذایل ساخته اند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹) این افراد کسانی هستند که روزگاری اهل نماز و عبادت بودند اما بعد از مدتی به دلایل مختلف تارک الصلاه شدند. از جمله دلایل می توان به کتب ضاله، ماهواره ها، حوادث و امتحان های الهی از جمله فوت نزدیکان اشاره کرد که فرد چون از ایمان قوی برخوردار نبوده دچار لغزش شده است.

➤ مدینه ضاله: «افراد تشکیل دهنده آن شناخت درستی از حق و باطل و سعادت و شقاوت ندارند و گرفتار حکومت باطلی اند که حقایق را به دستی به آنان معرفی نمی کند؛ یا این که بر اثر نقصان فکری، رذایل را فضایل پنداشته و قوانینی را بر مبنای آن تدوین و بدان عمل می کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۰) مخاطبان این بخش از بازار دچار گمراهی شده اند و اطلاعات نادرست و بر خلاف واقع به آنان عرضه شده است. در دنیای امروز جنگ های نرم و تهاجم های فرهنگی هر روز بر ضد ارزش های الهی و دینی در حال گسترش و افزایش است. دور از واقعیت نیست که رسانه ها و شبکه های ماهواره ای غرب را حاکمان باطل و شیطانی افکار و اذهان افراد گمراه و ضاله معرفی کنیم. عاملان ایجاد انحراف دست نشانده غرب نه

تنها تصویری نادرست، بلکه مخرب و منحرف از دین برای مخاطبان خود به تصویر کشیده و آنان را از کمال انسانی خود دور می‌کنند. سایت های مروج بی دینی، دوستان و آشنایانی که نه تنها خود مقید به احکام اسلامی نیستند، بلکه آنان را نیز تحت تاثیر خود قرار داده اند از دیگر عوامل ایجاد ضلالت و انحراف است.

برای هر بخش و دسته متناسب با شرایط و وضعیت آن می بایست هدف گذاری صورت گیرد. هدف هر دسته به نوعی پاسخی برای مشکل و مسئله آن دسته است. در مدینه جاهله چون مخاطب علم و معرفت کافی نسبت موضوع ندارد، قبل از دعوت او به انجام کار نیک و دوری از کار زشت باید خوبی و بدی کار را درک کند. به عبارت دیگر قبل از امر به معروف و نهی از منکر، باید او را آموزش داد. قبل از این که مخاطب را به خاطر نماز نخواندن بازخواست کرد باید آثار نماز و نقش آن در دین و لزوم توجه به آن را برای وی تشریح کرد. اما این معرفت و علم نسبی در مدینه فاسقه وجود دارد، اما فرد به علل مختلف در انجام واجبات کوتاهی کرده و از آن غافل می شود. لذا ارشاد فرد به انجام آنچه که به آن اعتقاد دارد، هدف در مدینه فاسقه خواهد بود. هدف اصلی در مدینه مبدله بازگرداندن فرد به مسیر درست قبلی است که آن را می توان به دو بخش تقسیم کرد. اول این که علت اصلی سرباز زدن و منحرف شدن فرد از آنچه که قبلا به آن عمل می کرده شناخته شود و پاسخ لازم برای او ارائه شود. دوم این که برای فرد عواقب نافرمانی و سرکشی از امر خداوند بعد از اطاعت و عبادت الهی تشریح شود و هشدار جدی در خصوص کار وی به او داده شود. چرا که مدینه سوم جایگاه بسیار خطرناکی دارند و کسی که بعد از چشیدن نعمت هدایت و اطاعت طغیان بورزد و نافرمانی کند باید منتظر عذاب الهی باشد. با توجه به این که در مدینه ضاله نه تنها شناخت و معرفت صحیح وجود ندارد، بلکه افکار و عقاید باطل به فرد عرضه شده است، لذا دو هدف اصلی باید دنبال شود. اول مبارزه با عوامل انحراف و از بین بردن شناخت اشتباه و باطلی که فرد آن را قبول کرده و دوم ارائه تعالیم صحیح اسلامی و اصلاح نگرش او نسبت به دین و موضوع نماز. شکل ۴ خلاصه هدف گذاری برای هر بخش را نشان می دهد.



شکل ۴. هدف گذاری برای هر جامعه

### ۳-۶- روش های مناسب در هر بخش (مرحله ۴)

در مرحله چهارم می بایست روش های تربیتی مناسب برای رسیدن به اهداف در هر بخش شناسایی شوند. انتخاب روش های مناسب برای رسیدن به اهداف، همواره قطعی و جزمی نبوده و بستگی به عوامل بسیاری از جمله شرایط مخاطب، زمان و مکان، ویژگی های مربی و ... دارد. با این وجود سعی شده است روش های برجسته و غالب برای رسیدن به اهداف هر بخش احصا شود. هدف این نوشتار بررسی کامل این روش ها نیست، اما اجمالا برای تکمیل بحث اشاره ای به روش های تربیتی الگوی معیار دوم می شود.

**روشهای مدینه جاهله:** از بهترین روش هایی که برای مدینه جاهله قابل استفاده است روش های محبت، قصه و داستان، تشبیه و تمثیل و پرسش و استفهام است. استفاده از پرسش و استفهام برای آگاه کردن مخاطب به جهلش و آماده کردن شرایط برای آموزش است. با توجه به جهل مخاطب بهتر از با محبت و گشاده رویی مسئله را برای او تبیین کرد تا دلزدگی به وجود نیاید. «روش محبت بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۴۷) استفاده از قصه و داستان و تشبیه و پرسش و استفهام به منظور عمق بخشیدن به معرفت و درک اوست.

**روش های مدینه فاسقه:** در مدینه فاسقه مخاطب دانش و معرفت لازم را دارد، اما گاهی اوقات پابندی خود را به آنچه می داند از دست می دهد. متناسب با شرایط مخاطب می توان از تذکر، موعظه و نصیحت، تبشیر و انذار و یا تنبیه و تشویق استفاده کرد. « آنچه انسان را از ظلمت و غفلت نجات می بخشد تذکر است.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴) «در روش تذکر یاد مرگ جایگاهی اساسی در تربیت دارد، زیرا غفلت آدمی از مرگ و معاد، خود بزرگترین عامل عصیان است.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۶۱) معرفی الگوها گامی موثر در تقویت عمل به احکام دین است. «البته هرچه نمونه ارائه شده از کمال بیشتر و جاذبه قراگیرتری بهره مند باشد روش الگویی روشی مطلوبتر و از کارایی بیشتر برخوردار است.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۳۱) «البته روش الگویی در تربیت روشی فراگیر است و انسان در مراحل مختلف زندگی خود به الگو نیاز دارد و همانند سازی و درس آموزی در زمینه های گوناگون از نخستین دوران کودکی آغاز می شود و انسان به روش الگویی رشد می کند.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۳۳) «گفته اند موعظه یادآوری قلب است نسبت به خوبی ها در آنچه موجب رقت قلب می شود. ... این روش راهی است در زدودن قساوت از دل و فراهم کردن زمینه لطافت آن در جهت دوری از زشتی و پلیدی و گرایش به زیبایی و نیکی موعظه عامل بازدارنده از طغیان شهوات و موجب تسکین هوای نفسانی است و از این رو بستر مناسب احیای دل آدمی است.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸: ۳۸۴)

**روش های مدینه مبدله:** در مدینه مبدله چون عمل و پابندی قبلا وجود داشته و الان کاملا از بین رفته است، دشواری کار دوچندان است. پرسش و استفهام در این بخش به منظور یافتن علت تبدیل مخاطب است. استفاده از روش های عبرت و

انذار و معرفی نمونه های ناپسند برای هشدار و اخطار به سرانجام سرپیچی مخاطب از امر الهی است. استفاده از روش توبه برای ایجاد انگیزه برای بازگشت به مسیر حق و توبه از مسیر اشتباه قبلی است.

**روش های مدینه جاهله:** وجه شبهات مدینه ضاله و جاهله در عدم وجود معرفت و درک صحیح است. اما در مدینه ضاله یک نظام فکری مبتنی بر باطل شکل گرفته است که در مدینه جاهله وجود ندارد. لذا در این مدینه مربی دو مرحله ی تربیتی پیش رو دارد: ۱. بر هم زدن و از بین بردن تصورات قبلی از طریق نشان دادن باطل بودن و اشتباه بودن نظام فکری او ۲. بنا کردن و جایگزین کردن نظام معرفتی و فکری مبتنی بر دین و ارزش های اسلامی. سوال و طرح پرسش های کلیدی به منظور نشان دادن اشتباه بودن آنچه که مخاطب می پندارد و بیان تناقض و تضادهای فکری او موجب از بین رفتن اعتقادات قبلی شده و زمینه را برای پذیرش حقایق فراهم می سازد.

روش های تربیتی مناسب برای هر یک از بخش ها			
جاهله	فاسقه	مبدله	ضاله
✓ محبت	✓ الگویی	✓ انذار	✓ محبت
✓ قصه و داستان	✓ تذکر	✓ عبرت	✓ توبه
✓ پرسش و استفهام	✓ موعظه و نصیحت	✓ توبه	✓ پرسش و استفهام
✓ تشبیه و تمثیل	✓ تبشیر و انذار	✓ پرسش و استفهام	✓ نمونه های ناپسند
	✓ تشویق و تنبیه	✓ نمونه های ناپسند	

شکل ۶. روش های تربیتی مناسب برای هر جامعه

## ۷- جمع بندی و ارائه پیشنهادات

در این نوشتار سعی شد با تکیه بر تعالیم دینی دو الگوی تربیتی نماز بر اساس بخش بندی مخاطب ارائه شده و هدف گذاری مناسب برای بخش ها و نیز برخی از روش های مناسب برای رسیدن به اهداف ارائه شود. الگوها و برنامه های تربیتی زمانی موثر خواهند بود که به صورت همه جانبه توسط نهادهای مختلف فرهنگ ساز پیگیری شوند. پیشنهادی که در این نوشتار برای موثر بودن برنامه های تربیتی ارائه می شود، مبتنی بر سه نهاد خانواده، مدرسه و مسجد است. معمولاً خانواده های عادی از نگاه سطح معارف دینی از لحاظ سطح آشنایی با معارف دینی عمیق نبوده و معمولاً از توان کمی برای پاسخگویی به شبهات و سوالات دینی فرزندان خود دارند، در حالی که در مساجدی که تحت نظر روحانیون مسلط به دین و معارف اسلامی هستند، این توانایی بیشتر است. مدرسه نیز متناسب با فضای آموزشی و فضای کلاس و درس قابلیت عمق

بخشیدن به معارف را ندارد. ضمن این که در مسجد با استفاده از مجالس ذکر و دعا و سخنرانی های دینی و جلسات پرسش و پاسخ جذابیت و فضای معنوی دو چندان است.

لذا مسجد و روحانیون باید محوریت اصلی برای جذب مخاطب به مسجد و نماز را به عهد بگیرند. مدرسه و خانواده دو نهادی خواهند بود که با پشتیبانی مسجد وظیفه خود را انجام می دهند. فعالیت های مسجد شامل دو بعد زیر خواهد بود:

۱. بعد مستقیم: در بعد مستقیم خود مسجد با برگزاری جلسات و برنامه های مختلف سعی در جذب مخاطب و پاسخگویی به نیاز های معنوی و سوالات و شبهات او می کند.

۲. بعد غیرمستقیم: در بعد غیر مستقیم مسجد محور اصلی تامین محتوا در خصوص معارف دینی و روش های تربیتی اسلامی برای دو ضلع دیگر یعنی خانواده و مدرسه را دارد.

**۲.۱. نقش مسجد در پشتیبانی خانواده ها:** نقش خانواده ها در تربیت نقش غیر قابل حذف بوده و نمی توان چیز دیگری را جایگزین آن کرد. وظیفه اصلی تربیت در خانواده بر دوش پدر و مادر است. اما عدم اطلاع کافی برخی از خانواده ها از روش تربیتی اسلامی مشکلاتی را برای آنان پدید می آورد. آموزش روش های تربیت دینی و نحوه مواجهه والدین با مسائل تربیتی می تواند از طریق منبرها و سخنرانی ها و یا کانون های مشاوره تربیتی در مساجد صورت گیرد.

**۲.۲. نقش مساجد در پشتیبانی مدارس:** حضور روحانیون عالم به مسائل تربیتی که می توانند متناسب با فهم و شرایط سنی دانش آموزان برنامه ها را اجرا کنند، در مدارس لازم و ضروری است. محوریت تعلیم و تربیت اسلامی در مدارس می تواند توسط مساجد انجام شود. به این شکل که مسئولیت تربیتی دینی چند مدرسه به نزدیک ترین مسجد واگذار شده و مساجد نیز با بهره گیری از روحانیون متخصص در امر تربیت هم به طور مستقیم در امر تربیتی شرکت کنند و هم پشتیبانی دانشی و معرفتی از اولیای مدرسه را به عهده بگیرند.

بنابراین می توان با برنامه ریزی جامع و آگاهی بخشی به خانواده ها و مدارس و تعلیم الگوهای تربیتی برای آنان در راستای ترویج فرهنگ اسلامی از جمله فرهنگ نماز و نمازخوانی گام برداشت.

## منابع

قرآن کریم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱۷)، انتشارات اسراء، چاپ دوم.

خمینی، سید روح الله، صحیفه امام خمینی، نسخه نرم افزاری.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۸)، ماه مهرپرور - تربیت در نهج البلاغه، انتشارات خانه اندیشه جوان، چاپ اول.

ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، نسخه نرم افزاری.

قرائتی، محسن (۱۳۸۵) تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دهم.

کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۹)، اصول بازاریابی، ترجمه بهمن فروزنده، آموخته، چاپ دهم.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم.